

پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس خردمندی و راهبردهای کنترل فکر و نقش تعدیل‌گری ابعاد روابط خانوادگی و مثلث سازی در زنان متأهل

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

هدی رجالی^{id}

زهرا یوسفی*^{id}

دریافت: ۹۹/۱۰/۱۱ | پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۶ | ایمیل نویسنده مسئول: Z.yousefi1393@khuisf.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس خردمندی و راهبردهای کنترل فکر با نقش تعدیل‌گری ابعاد روابط خانوادگی (رابطه با خانواده خود، رابطه با خانواده همسر) و مثلث سازی در بین زنان متأهل شهر کاشان بود. **روش:** روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه زنان متأهل شهر کاشان بود. نمونه‌ای مشتمل بر ۲۱۰ زن متأهل به روش در دسترس از بین نواحی مختلف شهرداری شهر کاشان انتخاب شدند. ابزار پژوهش مقیاس‌های خردمندی آردلت (۲۰۱۳)، راهبردهای کنترل فکر ولز و دیویس (۱۹۹۴)، روابط خانوادگی بارنز و اولسون (۲۰۰۴) و مثلث‌سازی دهقان و یوسفی (۱۳۹۸) بود. داده‌ها از طریق روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که کلیه متغیرهای پیش‌بین و تعدیل‌گر با رابطه با همسر رابطه معنادار دارند ($P < 0/05$)؛ همچنین نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد متغیرهای تعدیل‌گر ارتباطی نقش خردمندی را در مدل پیش‌بینی خنثی می‌کنند و نقش کنترل فکر را در پیش‌بینی رابطه با همسر از مثبت به منفی تغییر می‌دهند (از $\beta = 0/18$ به $\beta = 0/054$) و قدرت پیش‌بینی آن را افزایش می‌دهند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به این نتایج می‌توان گفت متغیرهای ارتباطی در روابط زوجی می‌توانند در ماهیت متغیرهای روان‌شناختی تغییر ایجاد کنند؛ بنابراین استفاده بهینه از خردمندی و مدیریت کنترل فکر در بین زنان بدون توجه به روابط خانوادگی غیر سودمند است.

کلیدواژه‌ها خردمندی، راهبردهای کنترل فکر، روابط خانوادگی، مثلث‌سازی

فصلنامه علمی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۲ | شماره ۱ پیاپی ۵ | ۱۴۲-۱۲۶
بهار ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(رجالی و یوسفی، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

رجالی، هدی، و یوسفی، زهرا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس خردمندی و راهبردهای کنترل فکر و نقش تعدیل‌گری ابعاد روابط خانوادگی و مثلث‌سازی در زنان متأهل. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۱(۲) پیاپی ۵: ۱۲۶-۱۴۲.

مقدمه

واحد خانواده مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد (فارمر، چاپمن، ۲۰۱۶). یکی از مؤلفه‌های مهم هر خانواده روابط خانوادگی است، بر اساس نظریه سیستمی مینوچین^۱ انواع روابط در خانواده عبارت است از مکمل بودن، قرینه بودن و دوجانبه بودن. مکمل بودن یعنی در این حالت رابطه زوجین دو قطب دارد یکی از زوجین سلطه‌جو و یک‌دنده است و دیگری منعطف و سلطه‌پذیر. در حالت قرینه رابطه‌ی زوجین به صورت مقابله به مثل است. چنانچه یکی عصبانی است فرد دیگر نیز عصبانیت نشان می‌دهد خوبی در مقابل خوبی و بدی در مقابل بدی است. در حالی که در رابطه‌ی مکمل رابطه به‌صورت مخالف عمل می‌شود. در مقابل عصبانیت و بدی طرف خونسردی نشان می‌دهد. نوع دیگر رابطه با همسر دوجانبه بودن است. این نوع رابطه، نشانگر روابط سالم سیستم است. در این حالت چنانچه یک عضو نیاز به کمک داشت دیگر اعضا به کمک او می‌شتابند و تلاش می‌کنند مشکل او حل شود در این نوع رابطه همدلی و همراهی مشاهده می‌شود (خاکپور، نظری و زهراکار، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد خردمندی زنان شاخص مهمی در برقراری روابط خانوادگی‌شان باشد همچنین بر درک آنان از روابط نیز مؤثر است.

خردمندی، ترکیبی از گرایش‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی است که برای بهزیستی فردی و اجتماعی، نقطه‌ای آرمانی در نظر گرفته می‌شود، خرد از طریق تفکر و تجربه و در قالب شاخص‌های عاطفی، شناختی و ژرف‌نگری پرورش می‌یابد. شاخص عاطفی خردمندی دلالت بر وجود احساسات مثبت (شامل همدلی و شفقت) و نداشتن عواطف و رفتارهای منفی نسبت به دیگران است (بوریا و آردلت، ۲۰۱۸). نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، شیوه‌های کنترل فکر در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند (استرنبرگ و گلاک، ۲۰۱۸). استراتژی‌های کنترل فکر پاسخ‌هایی هستند که افراد برای کنترل فعالیت‌های نظام شناختی از خود نشان می‌دهند این استراتژی‌ها ممکن است استراتژی‌های شناختی را قوت ببخشند یا سرکوب کنند و یا فرایندهای نظارتی را بالا ببرند. افراد ممکن است افکار خود را برای جلوگیری از فاجعه سرکوب کنند یا به شیوه‌ای گوناگون فکر کنند (نوردال و ولز، ۲۰۱۹). در کل کنترل فکر عبارت است از استراتژی‌هایی که افراد برای کنترل افکار مزاحم خود به کار می‌گیرند؛ که شامل: حواس‌پرتی، کنترل اجتماعی، تنبیه، ارزیابی مجدد و نگرانی (ولز و دیویس، ۱۹۹۴) است. نتایج نمایانگر این است که افراد دارای اختلال رفتاری در مقایسه با افراد عادی، بیشتر از تنبیه، نگرانی، ارزیابی مجدد و کنترل اجتماعی استفاده می‌کنند، ولی افراد غیر بیمار بیشتر از پرت کردن حواس بهره می‌گیرند. نظریه‌های فراشناختی نشان می‌دهد که اکثر اختلالات رفتاری ماهیت فراشناختی دارند و این چنین رفتارهایی می‌بایست در تبیین شکل‌گیری اختلال مورد توجه ویژه قرار گیرند. برای مثال، نتایج بررسی‌ها حاکی از این است که فرونشانی و بازداری افکار ناخوشایند باعث می‌شود که افکار بازداری شده افزایش و بازگردند، بنابراین، در طولانی مدت راهبرد سازنده‌ای نیست (سلرز، ایمسلی، ولز و موریسون، ۲۰۱۷). به نظر می‌رسد گرچه کنترل فکر و خردمندی دو سازه مهم شناختی در مدیریت امور روزمره به حساب می‌آیند از جمله نوع رابطه با همسر اما در محیط

1. Minuchin

خانواده و در تاریخچه زندگی فرد نیز ممکن است سازه‌هایی وجود داشته باشند که رابطه‌ی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد از جمله متغیرهای ارتباطی‌ای همچون رابطه با خانواده خود، رابطه با خانواده همسر و مثلث‌سازی. در همین راستا سال‌هاست که متخصصان خانواده و رشد کودکی نشان داده‌اند که رابطه فرد با مراقبین اولیه نقش به‌سزایی در شکل‌گیری الگوی برقراری روابط بعدی دارد. در واقع روابط فعلی فرد با خانواده‌اش و با خانواده همسرش ریشه در گذشته فرد دارد چنانچه فرد تجربه روابط مناسب و امن را با مراقبین خود داشته باشد در حال حاضر نیز روابط مناسبی با خانواده خود و همسرش برقرار می‌کند اما مشکلاتی که زوجین از ارتباط خانوادگی گذشته خود به خانواده می‌آورند موجب می‌شود تا در حل مشکلات فعلی خود ناکارآمد باشند و در نتیجه دست به مثلث‌سازی^۱ بزنند (دیمریا، تویست و ویکس، ۲۰۱۷).

در متون روان‌شناسی خانواده مثلث‌سازی نوع روش حل مشکلات خانوادگی است که این مشکلات در یکی یا زوجین اضطراب ایجاد کرده است. در واقع مثلث‌سازی، یکی از راهبردهای بیمارگونه حل مشکلات در خانواده است. هر زمانی که زوج در مورد چگونگی توزیع قدرت نتوانند به توافق برسند، فردی که از قدرت لازم برخوردار نیست، برای بهتر کردن وضعیت خود به روش‌های دیگری متوسل می‌شود. یکی از این روش‌ها آوردن فرد سوم به رابطه است، ورود فرد سوم به رابطه برای کاهش اضطراب یکی یا هر دو طرف رابطه مثلث‌سازی در خانواده را شکل می‌دهد (جنکینز، ۲۰۰۲). توانایی پخش و تغییر وضعیت دادن تنش و همچنین حفظ بیشتر آن به معنای آن است که مثلث منقطع‌تر و باثبات‌تر از سیستم دوتایی است. در فرایند مثلث‌سازی، وقتی فرد مضطرب/ دچار تنش، نتواند تعادل را به سیستم دوتایی بازگرداند، شروع به رفتن به سوی کسی که خارج از مثلث است، می‌کند. کسی که خارج از مثلث (غیر خودی) است، چون مشتاق است، فوراً این دعوت را اجابت می‌کند. در واقع فعالانه در صدد سربازگیری (ائتلاف/ تبانی) برمی‌آید (کر و بوئن، ۱۹۸۸).

تاکنون پژوهش‌هایی به مطالعه روابط خانوادگی و یا سازه‌های مرتبط با آن پرداخته‌اند از جمله سالینگر و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که خانواده‌های مبتلا به نوجوان دوقطبی بیش از خانواده‌های مبتلا به نوجوان مستعد سایکوز از روابط حل مسئله بهره‌برداری می‌کنند. رئا و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهشی کیفی نشان دادند که ارتباطات مجازی بین زوجینی که مردان از زنان دور هستند به بهبود کیفیت رابطه بین آنان کمک می‌نماید. غضنفری (۱۳۸۹) طی پژوهشی نشان داد که الگوی همدلی، هماهنگی و همکاری در روابط خانوادگی با خشونت علیه زن رابطه معکوس دارد و نگرش سلطه‌جویانه مرد در روابط خانوادگی رابطه مستقیم با خشونت علیه زنان دارد. پورافقی (۱۳۸۹) نشان داد روابط خانوادگی مثبت با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد. شمعی‌زاده و یوسفی (۱۳۹۷) طی پژوهشی نشان دادند با کاهش روان‌رنجوری، تجربه کودک‌آزاری در کودکی و افزایش برون‌گرایی و وجدان روابط خانوادگی بهبود می‌یابد. به هر حال همان‌گونه که مشاهده می‌شود پژوهش چاپ شده‌ای به موضوع پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس خردمندی و کنترل فکر با نقش تعدیل‌گری رابطه با خانواده خود و همسر و مثلث‌سازی

1. triangulation

نپرداخته است. در کل به نظر می‌رسد خردمندی زنان به عنوان یک متغیر مهم در آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی زنان در مدیریت ارتباطات با هم‌سرانشان، همچنین راهبردهایی که آنان برای کنترل افکار ناخواسته و ناراحت‌کننده در خصوص ابعاد مختلف زندگی از جمله زندگی زناشویی دارند در کنار هم ممکن است با روابط زنان با همسرانشان مرتبط باشند در عین حال در این میان متغیرهای رابطه با خانواده خود و همسر و مثلث‌سازی ممکن است بتوانند این روابط را تعدیل کنند، بررسی چنین روابطی مسیرهای بهبود روابط زوجین و یا درمان آن را آسان‌تر سازد از این رو پژوهش حاضر بر آن بود تا به این سؤال پاسخ دهد:

۱. آیا خردمندی و راهبردهای کنترل فکر با نقش تعدیل‌گری رابطه با خانواده خود و همسر و مثلث‌سازی می‌توانند رابطه با همسر را پیش‌بینی نمایند؟

روش

پژوهش حاضر با هدف تعیین قدرت خردمندی و کنترل فکر در پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس نقش تعدیل‌گری رابطه با خانواده خود و خانواده همسر و مثلث‌سازی انجام شد، از این رو با توجه به روش گردآوری داده‌ها پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود. در این پژوهش، جامعه آماری زنان متأهل شهر کاشان در سال ۹۸ بود که به منظور نمونه‌گیری، نمونه‌ای مشتمل بر ۲۱۰ زن متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان ۴ ناحیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگسراها انتخاب شدند. با توجه به ماهیت پژوهش به ازای هر متغیر و مؤلفه ۱۵ نفر شرکت‌کننده در نظر گرفته شد (پاتون و نیووارت، ۲۰۱۷) و با توجه به متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آن‌ها در این پژوهش در مجموع ۲۱۰ زن متأهل برآورد و انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه خردمندی. پرسشنامه خردمندی توسط آردلت (۲۰۰۳) ساخته شده است که از ۳۴ گویه و ۳ خرده‌مقیاس شناختی (۱۴ سؤال)، انعکاسی (۱۲ سؤال) و عاطفی (۱۳ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش خرد بکار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای تعدادی از گویه‌ها نمره‌گذاری به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً در مورد من صحیح است»، «تا حدودی در مورد من صحیح است»، «نظری ندارم»، «تا حدودی در مورد من صحیح نیست» و «اصلاً در مورد من صحیح نیست» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. آردلت روایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده و پایایی آن را طبق آلفای کرونباخ مطلوب ذکر کرده است. در این پژوهش همسانی درونی ۰/۸۸ محاسبه شد. پدram نیا و یوسفی (۱۳۹۷) همسانی درونی آن را ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی آن به کمک آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

۲. پرسشنامه راهبردهای کنترل فکر. پرسشنامه کنترل فکر (ولز و دیویس، ۱۹۹۴) یک ابزار ۳۰ ماده‌ای است که با هدف بررسی سازمان یافته‌ی راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه کنترل افکار مزاحم در گروه‌های

گونگون تدوین شده است. این پرسشنامه از یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای هرگز=۱ تا همیشه=۴ نمره‌گذاری می‌شود که نمره هر عامل از راه مجموع ماده‌های مربوط به آن عامل به دست می‌آید. دامنه نمرات برای هر یک از خرده‌آزمون‌ها ممکن است بین صفر و هیجده باشد و در همه خرده‌آزمون‌ها نمره بالاتر به معنای بیشتر بودن سطح آن متغیر است. سؤالات ۵، ۸ و ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. یافته‌های مربوط به تحلیل عاملی نسخه‌ی اولیه‌ی پرسشنامه در مورد دانشجویان، ۶ عامل را شناسایی کرد. این عامل‌ها راهبردهای رفتاری پرت کردن حواس، راهبردهای شناختی پرت کردن حواس، کنترل اجتماعی، نگرانی، تنبیه و ارزیابی دوباره شامل می‌شدند؛ اما در نسخه‌ی نهایی پرسشنامه، راهبردهای رفتاری و شناختی پرت کردن حواس با یکدیگر ترکیب شدند و یک عامل را تشکیل دادند.

۳. پرسشنامه روابط خانوادگی. برای سنجش روابط خانوادگی از پرسشنامه خانوادگی اولسون و بارنز (۱۹۸۲) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن رابطه با همسر، ۱۰ سؤال به رابطه با خانواده همسر و ۱۰ سؤال نهایی به رابطه با خانواده خود اختصاص دارد که روی طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً راضی=۵ تا کاملاً ناراضی=۱ نمره‌گذاری می‌شود. اولسون و بارنز همسانی درونی آن را روی ۲۴۶۵ نفر ۰/۹۵ و روایی بازآزمایی آن ($p < ۰/۰۱$ و $r = ۰/۸۶$) گزارش کردند؛ در این پژوهش مجدداً همسانی درونی برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل محاسبه شد که عبارت بودند از رابطه با خانواده خود ۰/۹۱، رابطه با همسر ۰/۹۶ و رابطه با خانواده همسر ۰/۸۹ و برای نمره کل ۰/۹۵ به دست آمد. یوسفی و شمعی‌زاده (۱۳۹۷) همسانی درونی آن را ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند و در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی آن ۰/۹۰ به دست آمد.

۴. پرسشنامه ارزیابی مثلث‌سازی (یوسفی و بهرامی، ۱۳۹۴): پرسشنامه مثلث‌سازی یک مقیاس ۱۶ ماده‌ای است که بر اساس نظریه ساختاری مینوچین (۱۹۷۴) ساخته شده است که روی طیف ۵ درجه‌ای نمره از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره‌گذاری می‌شود و میل به مقابله با مشکلات ارتباطی از طریق دخیل کردن شخص ثالث را ارزیابی می‌کند. این مقیاس شامل سه خرده‌مقیاس مثلث‌سازی منفی سؤالات ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، خرده‌مقیاس پشتیبان سؤالات ۱، ۲، ۳، ۵ و ۶ و خرده‌مقیاس مثلث‌سازی با فرزند سؤالات ۱۲ و ۱۳ را در برمی‌گیرد. روایی صوری آن توسط متخصص تأیید شده است و همسانی درونی نمره کل از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۵۵ محاسبه شده است. پایایی بازآزمایی آن پس از دو هفته اجرا ($r = ۰/۸۰$) گزارش شده است (دهقانی و یوسفی، ۱۳۹۴) و روایی سازه و همگرا و واگرای آن به کمک بررسی رابطه آن با ابعاد شخصیت تأیید شده است؛ همچنین آنان روایی سازه و تأییدی آن را بررسی و تأیید کرده‌اند (دهقانی و یوسفی، ۱۳۹۸).

شیوه اجرا. واحد پژوهشی شامل مناطق شهرداری و فرهنگسراهای آن بود. با زنان در مورد پژوهش و هدف از آن صحبت شد و از آنان خواسته شد ضمن همکاری پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. برای انجام پژوهش و انجام اقدامات اولیه و فراهم آوردن مقدمات طرح، به شهرداری کاشان مراجعه شد و پس از دریافت مجوز اجرای پژوهش به پخش پرسشنامه در فرهنگسراها اقدام شد.

یافته‌ها

میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۸ سالگی با انحراف استاندارد ۵/۴ بود. ۴۵ درصد زنان تحصیلات دیپلم، ۴۳ درصد کارشناسی و بالاتر و ۱۲ درصد تحصیلات نام‌شخص داشتند. ۳۵ درصد شاغل و مابقی خانه‌دار بودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی	ضریب تحمل	تورم واریانس	دوربین واتسون
رابطه با همسر	۳۹/۴۹	۱۳/۲۱	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۶۵	۲/۳۵	
خردمندی	۱۲۲/۱۴	۲۳/۳۱	۰/۳۵	۰/۲۱	۰/۳۵	۳/۴۴	
کنترل فکر	۶۳/۹۰	۱۰/۵۴	۰/۴۵	۰/۳۵	۰/۷۸	۱/۳۷	
مثلث‌سازی	۳۶/۷۲	۱۶/۱۹	۰/۲۳	۰/۳۶	۰/۹۸	۲/۴۸	۲/۳
ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود	۴۲/۳۳	۸/۴۸	۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۶۶	۴/۵۶	
ارتباط خانوادگی با خانواده همسر	۳۵/۸۱	۱۳/۴۳	۰/۴۱	۰/۳۹	۰/۵۶	۳/۳۹	

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود چولگی و کشیدگی بین ± 2 قرار دارند؛ بنابراین توزیع داده‌ها برای متغیرها نرمال است. مقدار دوربین واتسون در فاصله مجاز ۱/۵ تا ۳ قرار دارد؛ و مفروضه عدم وجود همبستگی بین خطاها تأیید می‌شود و مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نیز به ترتیب کمتر از ۱ و زیر ده است که نشان می‌دهد بین متغیرها همپوش وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. رابطه با همسر	۱	۰/۱۵۱ [*]	۰/۲۰۰ [*]	۰/۲۶۲ [*]	۰/۵۹۳ [*]	۰/۷۶۶ [*]
۲. خردمندی		۱	۰/۱۷۰ [*]	۰/۰۱۵	۰/۲۴۳ [*]	۰/۱۶۵ [*]
۳. کنترل فکر			۱	۰/۱۲۹ [*]	۰/۳۳۶ [*]	۰/۱۱۷ [*]
۴. مثلث‌سازی				۱	۰/۰۸۵	۰/۲۴۱ [*]
۵. ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود					۱	۰/۴۹۲ [*]
۶. ارتباط خانوادگی با خانواده همسر						۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود رابطه با همسر با خردمندی، کنترل فکر، مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر رابطه مثبت و معنادار دارد. به منظور بررسی نقش تعدیل‌گری مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر در بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی در خصوص نقش تعدیل‌گری مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر در ارتباط بین خردمندی و کنترل فکر با رابطه با همسر

مدل	متغیر	R	R ²	ΔR ²	ΔF	df ₁	df ₂	معناداری ΔF
مدل (۱)	خردمندی و کنترل فکر	۰/۲۳۳	۰/۰۵۷	۰/۰۵۷	۶/۲۱۳	۲	۲۱۷	۰/۰۰۲
مدل (۲)	خردمندی، کنترل فکر، مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر	۰/۹۴۷	۰/۸۹۷	۰/۸۴۳	۵۸۶/۷۲۴	۳	۲۱۴	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در مدل اول کنترل فکر و خردمندی با ضریب رگرسیون ۰/۲۳۳ وارد معادله رگرسیون شده و قادر به پیش‌بینی ۵/۷٪ از واریانس رابطه با همسر است. در مدل دوم مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر به عنوان متغیر تعدیل‌گر در تعامل با خردمندی و کنترل فکر وارد مدل پیش‌بینی رابطه با همسر شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نقش تعدیل‌کنندگی مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر در پیش‌بینی رابطه با همسر بر اساس کنترل فکر و خردمندی معنادار است. نتایج تحلیل واریانس نشان داد در مدل اول حضور کنترل فکر و خردمندی در مدل پیش‌بینی رابطه با همسر معنادار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون سلسله مراتبی پژوهش

مدل	متغیر	ضریب خام (B)	خطای استاندارد	ضریب بتا	T	معناداری
مدل اول	عدد ثابت	۱۶/۷۶۳	۶/۵۲۷	-	۲/۵۶۸	۰/۰۱۱
	کنترل فکر	۰/۲۲۵	۰/۰۸۴	۰/۱۸۰	۲/۶۸۳	۰/۰۰۸
	خردمندی	۰/۰۶۸	۰/۰۳۸	۰/۱۲۰	۱/۷۹۶	۰/۰۷۴
مدل دوم	عدد ثابت	-۶/۸۳۶	۲/۲۶۰	-	-۳/۰۲۵	۰/۰۰۳
	کنترل فکر	-۰/۰۶۷	۰/۰۲۹	-۰/۰۵۴	-۲/۲۹۹	۰/۰۲۲
	خردمندی	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۳	-۰/۰۴۰	-۱/۷۸۲	۰/۰۷۶
	ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود	۰/۴۱۸	۰/۰۵۱	-۰/۴۲۵	-۸/۱۴۹	۰/۰۰۰
	ارتباط خانوادگی با خانواده همسر	۰/۵۶۸	۰/۰۲۳	۱/۳۲۰	۲۴/۷۴۴	۰/۰۰۰
	مثلث‌سازی	۰/۰۴۴	۰/۰۱۸	۰/۰۵۴	۲/۳۵۸	۰/۰۱۹

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در مدل اول ضریب بتا تنها برای کنترل فکر معنادار است و نقش خردمندی در فرمول پیش‌بینی رابطه با همسر غیر معنادار است. با ورود متغیر مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر، در مدل، حضور کنترل فکر در فرمول پیش‌بینی معنادار می‌شود و حضور خردمندی در مدل پیش‌بینی غیر معنادار می‌شود. با توجه به علامت منفی ضریب بتا در متغیر کنترل فکر، این متغیر اثر مثبت مثلث‌سازی، ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود و ارتباط خانوادگی با خانواده همسر را در افزایش رابطه با همسر خنثی می‌کند. به این ترتیب فرمول پیش‌بینی به شرح زیر است:

$$\text{(کنترل فکر)} ۰.۰۶۷ - / * (\text{ارتباط خانوادگی با خانواده‌ی خود}) ۰.۴۱۸ + / (\text{ارتباط خانوادگی با خانواده همسر}) ۰.۵۶۸ + / (\text{مثلث‌سازی}) ۰.۰۴۴ + / - ۶/۸۳۶ = \text{رابطه با همسر}$$

بحث و نتیجه‌گیری

به‌منظور بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای پیش‌بین و وابسته رابطه مثبت و معنادار دارند همچنین بین متغیرهای تعدیل‌گر و پیش‌بین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ و متغیرهای تعدیل‌گر رابطه با خانواده خود، خانواده همسر و مثلث‌سازی قدرت تعدیل‌گری رابطه بین کنترل فکر با رابطه با همسر را دارد. در توضیح همسویی یا ناهم‌سویی این نتایج با یافته‌های سایر پژوهش‌ها باید گفت تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه‌ی روابط با همسر انجام نشده است اما در زمینه روابط خانوادگی پژوهش‌هایی انجام شده است از جمله سالیانگر و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که خانواده‌های مبتلا به نوجوان دوقطبی بیش از خانواده‌های مبتلا به نوجوان مستعد سایکوز از روابط حل مسئله بهره‌برداری می‌کنند. رئا و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهشی کیفی نشان دادند که ارتباطات مجازی بین زوجینی که مردان از زنان دور هستند به بهبود کیفیت رابطه بین آنان کمک می‌نماید. غضنفری (۱۳۸۹) طی پژوهشی نشان داد که الگوی همدلی، هماهنگی و همکاری در روابط خانوادگی با خشونت علیه زن رابطه معکوس دارد و نگرش سلطه‌جویانه مرد در روابط خانوادگی رابطه مستقیم با خشونت علیه زنان دارد. پورافقی (۱۳۸۹) نشان داد روابط خانوادگی مثبت با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد. شماعتی‌زاده و یوسفی (۱۳۹۷) طی پژوهشی نشان دادند با کاهش روان‌رنجوری، تجربه کودک‌آزاری در کودکی و افزایش برون‌گرایی و وجدان روابط خانوادگی بهبود می‌یابد. همچنان که مشاهده می‌شود مطالعات پراکنده‌ای در زمینه رابطه با همسر به چاپ رسیده اما با ترکیب روابط چندگانه بین کنترل فکر و خردمندی با نقش تعدیل‌گری رابطه با خانواده خود و همسر و مثلث‌سازی انجام نشده است که بتوان همسویی یا ناهم‌سویی آن را با سایر پژوهش‌ها بررسی کرد.

تبیین این نتایج در چند مرحله انجام خواهد گرفت. ابتدا به تبیین ارتباط متغیرها طبق تحلیل همبستگی پرداخته خواهد شد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد کنترل فکر با رابطه با همسر رابطه معنادار دارد و این رابطه از نوع مثبت است. در تبیین رابطه خلاف انتظار کنترل فکر با رابطه با همسر باید گفت کنترل فکر به فنون مقابله‌ای شناختی افراد در برابر افکار ناخواسته اشاره دارد و از انواع مختلفی

برخوردار است و به طرق متفاوتی با پردازش اطلاعات و خودتنظیمی مربوط می‌شوند (ولز، ۲۰۰۰). نظریه‌های شناختی بالینی تمایل داشته‌اند که افکار را به عنوان ساختار یکپارچه‌ای که همان افکار خودکار منفی است، ببینند، ولی سبک و شیوه‌ی فکر کردن نه‌تنها برای ارزیابی رویدادها به کار می‌رود، بلکه راهبردهای مقابله‌ای را نیز مشخص می‌کند. مثلاً ممکن است بعضی از افراد از نگرانی برای مقابله با تهدید استفاده کنند (ولز و متیوس، ۱۹۹۶). راهبردهای کنترل فکر پاسخ‌هایی هستند که افراد برای کنترل فعالیت‌های نظام شناختی نشان می‌دهند. این راهبردها ممکن است راهبردهای شناختی را شدت ببخشند یا سرکوب کنند و یا فرایندهای نظارتی را افزایش دهند. افراد ممکن است برای جلوگیری از فاجعه افکار خود را سرکوب کنند یا به‌گونه‌ای دیگر فکر کنند (ولز، ۲۰۰۰). در کل هدف استفاده از راهبردهای کنترل فکر آن است که افراد با تجارب شناختی ناراحت‌کننده روبه‌رو نشوند. بنابراین بیش از آن که موجب تنظیم هیجان شود چون به اجتناب از تجارب شناختی منجر می‌شود موجب افزایش اضطراب و نگرانی می‌شوند بنابراین رابطه مثبت این متغیر با رابطه مناسب با همسر خلاف انتظار است در تبیین این نکته می‌توان گفت شاید کنترل فکر موجب افزایش اضطراب می‌شود و افزایش اضطراب ممکن است باعث این شود که این زنان بیش‌ازپیش برای کاهش اضطراب بخواهند به همسرانشان نزدیک گردند و یا حتی به همسرانشان وابسته گردند و در نتیجه بکشند در همسرداری و جلب رضایت همسر به عنوان یک عامل کاهش اضطراب نهایت تلاش خود را داشته باشند. در نتیجه کنترل فکر با رابطه با همسر رابطه مثبت و معنادار دارد.

در خصوص ارتباط مثبت مثلث‌سازی با رابطه با همسر باید گفت گرچه انتظار می‌رفت مثلث‌سازی با رابطه با همسر رابطه منفی داشته باشد اما نتایج خلاف انتظار بود. منظور از مثلث‌سازی آن است که در زمان تنش بین دو نفر، شخص ثالثی (داوطلبانه یا در پی دعوت او) وارد ماجرا شود تا تعاملی سه نفری تشکیل شود و در مواردی انجام می‌شود که روابط فرد با دیگران توأم با تنش باشد. همچنین مثلث‌سازی به معنای گلایه کردن از همسر نزد یک دوست، گفت و گوی همکارانه درباره‌ی نواقص رئیس و کمک گرفتن فرزندان برای حل مشکل با هم شیران، نمونه‌هایی از مثلث‌سازی است؛ بنابراین به علت اینکه زنان قادر به حل مسائل زناشویی خویش نیستند پای شخص ثالث را به رابطه باز می‌کنند پس انتظار می‌رود رابطه با همسر مخدوش باشد از سوی دیگر در همین راستا کر و بوئن (۱۹۸۸) در مورد نتایج محتمل مثلث‌سازی چهار حالت را ارائه می‌دهند: (۱) بر اثر اضافه شدن شخص ثالث ممکن است نظام ثابت دچار عدم تعادل شود؛ (۲) امکان دارد یک نظام دو نفره‌ی باثبات بر اثر حذف شخص ثالث دچار ناستواری شود؛ (۳) نظام دونفره‌ی بی‌ثبات به واسطه اضافه شدن شخص ثالث به ثبات برسد؛ (۴) نظام دونفره‌ی بی‌ثبات بر اثر حذف شخص ثالث به ثبات برسد. به هر ترتیب دو نتیجه محتمل اول خطرناک است و نشان می‌دهد که مثلث‌سازی در خانواده پدیده‌ای خطرناک است در واقع نشان می‌دهد زوجین در روابط زوجی خود دچار چنان اضطرابی هستند که برای کاهش استرس حاصل از آن ناگزیر از مثلث‌سازی می‌شوند. در واقع مثلث‌سازی راهی می‌شود برای به ثبات رسیدن کاذب یا واقعی (نتیجه سوم مثلث‌سازی). در دوره‌هایی که سطح اضطراب پایین است و شرایط بیرونی آرام است نظام دوتایی یا دونفره در تبادل راحت احساسات به سر می‌برد اما وقتی یکی از طرفین یا هر دو به علت استرس‌های بیرونی یا درونی ناراحت یا مضطرب می‌گردند ثبات این وضعیت به خطر می‌افتد

و یکی یا هر دو نفر سوم آسیب‌پذیر را درگیر می‌کنند اما در عین حال دو نتیجه دیگر مثلث‌سازی می‌تواند مثبت باشد بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که مثلث‌سازی کمک می‌کند تا رابطه دو نفره آرام‌تر شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد مثلث‌سازی در زنان متأهل کاشان بیش از این که خطرناک باشد از نوع مثبت آن است و مثلث‌سازی در بین آنان به گونه‌ای است که روابط آنان بهبود می‌یابد در واقع شاید مثلث‌سازی در فرهنگ کاشان با این مسئله عجین است که زنان بهتر با همسران خویش ارتباط بگیرند.

در تبیین ارتباط مثبت کنترل فکر با رابطه با همسر هم باید گفت از آن‌جا که کنترل فکر به معنای استفاده از راهبردهای شناختی برای کنترل افکار مزاحم است و فرآیندهایی همچون تنبیه، نگرانی، ارزیابی مجدد و کنترل اجتماعی را در برمی‌گیرد که باعث تشدید افکار مزاحم می‌شوند، بنابراین انتظار می‌رفت زنانی که کنترل فکر بالاتری دارند دچار اضطراب و نگرانی بیش‌تری باشند. از سوی دیگر، رابطه با همسر نیز رابطه‌ی مثبت و معنادار با کنترل فکر دارد. با در نظر گرفتن این نکته که رابطه با همسر سازه‌ی مثبت است که در آن زنان احساس می‌کنند همسرانشان آن‌ها را درک می‌کنند، به خوبی با یکدیگر رابطه دارند و توسط همدیگر فهمیده می‌شوند، انتظار می‌رفت رابطه با همسر، کنترل فکر را کاهش دهد اما نتایج خلاف انتظار بود؛ بنابراین، می‌توان گفت، ممکن است زنانی که رابطه‌ی مناسبی با همسر خود دارند، برای نشانه‌ها و علائم اضطراب و نگرانی، از همسران‌شان پاداش دریافت می‌کنند و این‌گونه، ارتباط با همسر به تشدید کنترل فکر منجر می‌شود. دسته‌ی سوم نتایج مربوط به تحلیل قدرت تعدیل‌گری متغیرهای تعدیل‌گر در تبیین ارتباط بین خردمندی و کنترل فکر با رابطه با همسر بود نتایج شگفت‌انگیز بود و نشان داد متغیرهای تعدیل‌گر در کنار یکدیگر رابطه خردمندی و کنترل فکر را با رابطه با همسر معکوس کرده‌اند به این ترتیب نتایج نشان می‌دهد با حضور متغیرهای ارتباطی دو متغیر روان‌شناختی در زنان متأهل قادر به افزایش رابطه با همسر نیستند و با افزایش این دو متغیر رابطه با همسر آشفته می‌شود.

در بین متغیرهای تعدیل‌کننده رابطه با خانواده خود رابطه معکوس بین متغیرهای کنترل فکر و خردمندی را با رابطه با همسر کاهش می‌دهد. در تبیین این یافته باید گفت به نظر می‌رسد رابطه با خانواده خود حمایت‌ها و آرامشی را برای زن در پی دارد که موجب می‌شود اثر منفی کنترل فکر بر رابطه با همسر در حضور متغیرهای تعدیل‌کننده کاهش یابد. همچنین اثر منفی خردمندی را بر آشفته شدن رابطه با همسر کاهش می‌دهد. در کل به نظر می‌رسد داشتن رابطه مناسب با خانواده خود در بین زنان حاکی از سبک دلبستگی ایمن است و باعث می‌شود حتی اگر متغیرهای در تعامل با سازه‌های دیگر باعث شوند تا رابطه با همسر مخدوش شود این اختشاش ارتباطی در بین آنان به علت رابطه خوبی که با خانواده خودشان دارند کاهش یابد. در تبیین اثر افزایشی مثلث‌سازی و رابطه با خانواده همسر باید گفت در متون خانواده درمانی مثلث‌سازی ریشه در اضطراب‌های حل نشده از یک‌سو و میل به نزدیکی و برقراری ارتباط از سوی دیگر دارد و مثلث‌سازی راهی غلط برای کاهش اضطراب به حساب می‌آید بنابراین انتظار می‌رود رابطه منفی کنترل فکر را با رابطه با همسر که در حضور متغیرهای ارتباطی ایجاد شده است را تشدید کند یعنی اگر مثلث‌سازی وارد ارتباط زوجی شود که زن دچار مشکل کنترل فکر است این مثلث‌سازی باعث می‌شود تا اثر کنترل فکر بر کاهش رابطه با همسر افزایش یابد.

در تبیین اثر افزایشی مثلث‌سازی و رابطه با خانواده همسر در رابطه‌ی بین کنترل فکر و خردمندی با رابطه با همسر، باید گفت در متون خانواده‌درمانی مثلث‌سازی ریشه در اضطراب‌های حل نشده از یک‌سو و میل به نزدیکی و برقراری ارتباط از سوی دیگر دارد و مثلث‌سازی راهی غلط برای کاهش اضطراب به حساب می‌آید بنابراین انتظار می‌رود رابطه منفی کنترل فکر را با رابطه با همسر که در حضور متغیرهای ارتباطی ایجاد شده است را تشدید کند یعنی اگر مثلث‌سازی وارد ارتباط زوجی شود که زن دچار مشکل کنترل فکر است این مثلث‌سازی باعث می‌شود تا اثر کنترل فکر بر کاهش رابطه با همسر افزایش یابد. این نتایج در خصوص خردمندی نیز نشان می‌دهد در حضور متغیرهای ارتباطی افزایش خردمندی موجب کاهش رابطه با همسر می‌شود شاید بتوان در تبیین این نتیجه گفت زنانی که رابطه خوبی با خانواده خود و همسران‌شان از یک‌سو و از سوی دیگر برای کاهش اضطراب‌های‌شان دست به مثلث‌سازی می‌زنند در زندگی روزمره بیش از این‌که به دنبال حل مسئله با همسران‌شان باشند از خرد و قدرت آینده‌نگری خود برای اتحادهای فامیلی استفاده می‌کنند و به دنبال جلب پشتیبانی در مقابل همسر خود هستند؛ این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی دارد از جمله مقطعی بودن پژوهش، تک جنسیتی بودن موضوع، محدود بودن جامعه به زنان شهر کاشان و در دسترس بودن نمونه که همگی ضرورت احتیاط در تعمیم نتایج را برجسته می‌نماید. با توجه به نتایج حاصل پیشنهاد می‌شود که مشاوران خانواده این نکته را در نظر داشته باشند که توجه به خردمندتر کردن زنان بدون در نظر گرفتن روابط خانوادگی باعث بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های بهبود بخش آنان می‌شود پس در کنار هرگونه مداخله باید مهارت‌های ارتباطی در خانواده نیز بهبود یابد.

موازن اخلاقی

با توجه به اینکه منبع اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بود به منظور رعایت و احترام به حقوق شرکت کنندگان در این پژوهش از آن‌ها خواسته شد که اسامی خود را در پرسشنامه‌ها درج نکنند و به آن‌ها اطمینان داده شد که جواب‌های آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد ماند و جایی اعلام نخواهد شد.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم از کلیه کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر و قدردانی به عمل آوریم.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته روان‌شناسی بالینی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) بود. مشارکت نویسنده اول ۴۰ درصد و مشارکت نویسنده دوم ۶۰ درصد بود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- پدرام نیا، سوده، و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۷). رابطه ابعاد خردمندی و راهبردهای مهار فکرِ مادران با علائم اختلالات رفتاری دختران. *فصلنامه سلامت روان کودک*. ۵ (۲): ۱۳۱-۱۴۱.
- پور افقی، فرشاد. (۱۳۹۵). نقش سبک‌های زندگی، درک اجتماعی و روابط خانوادگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی معلمان جوان. *روان‌شناسی مدرسه*. ۵ (۲): ۲۰-۳۸.
- خاکپور، ایمان، نظری، محمد. علی، و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۳). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث‌سازی و ساختار قدرت. *مجله اندیشه و رفتار*. ۹ (۳۳): ۳۷-۴۶.
- دهقانی شش‌ده، زهرا، و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی (مثلث‌سازی، رابطه با همسر) و متغیرهای روان‌شناختی (توافق‌پذیری و شیوه‌های کنترل) و متغیر اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. *مجله خانواده پژوهی*. ۱۹ (۱): ۱۵۵-۱۷۱.
- شماعی زاده، ناهید، و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی روابط چندگانه بین پنج عامل شخصیت و تجربهٔ کودک‌آزاری با ارتباطات خانوادگی در بین مردم اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. ۱۹ (۳): ۱۱-۱۲۱.
- غضنفری، فیروزه. (۱۳۸۹). رابطه‌ی الگوی روابط خانوادگی و خشونت خانواده علیه زنان در استان لرستان. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۲ (۴۶): ۹۵-۴۸۸.

References

- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on aging*, 25(3), 275-324.
- Barnes, H. L., Olson, D.H. (1982). Family inventories: Inventories used in a national survey of families across the family life cycle. *Parent-adolescent communication scale*. St Paul: Family Social Science, University of Minnesota, pp.33-48.
- Bowen M. (1976). Theory in the practice of psychotherapy. *Family therapy: Theory and practice*, 4(1), 2-90.
- Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York (Aronson).
- Bruya, B., & Ardelt, M. (2018). Wisdom can be taught: A proof-of-concept study for fostering wisdom in the classroom. *Learning and Instruction*, 58, 106-114.
- DeMaria R, Twist M.L, Weeks G.R. (2017). *Focused genograms: Intergenerational assessment of individuals, couples, and families*. Routledge.
- Farmer, R. F., & Chapman, A. L. (2016). *Behavioral interventions in cognitive behavior therapy: Practical guidance for putting theory into action*. American Psychological Association.
- Jenkins J. M, Buccioni J. M. 2000. Children's Understanding of Marital Conflict and the Marital Relationship. *J. Child Psychol. Psychiat*, 41 (2), pg. 161-168.
- Kerr, M.E., Bowen, M. (1988). *Family evaluation*. WW Norton & Company.
- Kunzmann, U., & Baltes, P. B. 2003. Wisdom-related knowledge: Affective, motivational, and interpersonal correlates. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29:1104-1119.

- Nordahl, H., & Wells, A. (2019). In or out of work: A preliminary investigation of mental health, trait anxiety and metacognitive beliefs as predictors of work status. *Clinical Psychologist*, 23(1), 79-84.
- Patten, M. L., & Newhart, M. (2017). *Understanding research methods: An overview of the essentials*. Routledge.
- Rea, J., Behnke, A., & Huff, N., & Allen, K. (2015). The role of online communication in the lives of military spouses. *Contemporary Family Therapy*, 37 (3), 329-339.
- Salinger, J. M., O'Brien, M. P., Miklowitz, D. J., Marvin, S. E., & Cannon, T. D. (2018). Family communication with teens at clinical high-risk for psychosis or bipolar disorder. *Journal of Family Psychology*, 32(4), 507.
- Sellers, R., Emsley, R., Wells, A., & Morrison, A. P. (2018). The role of cognitive and metacognitive factors in non-clinical paranoia and negative affect. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 91(2), 169-185.
- Sellers, R., Wells, A., & Morrison, A. P. (2018). Are experiences of psychosis associated with unhelpful metacognitive coping strategies? A systematic review of the evidence. *Clinical psychology & psychotherapy*, 25(1), 31-49.
- Sternberg, R. J. (2004). What is wisdom and how can we develop it?. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 591(1), 164-174.
- Sternberg, R. J., & Jordan, J. (Eds.). (2019). *The Cambridge handbook of wisdom*. New York, NY, USA:: Cambridge University Press.
- Wells, A. (2002). *Emotional disorders and metacognition: Innovative cognitive therapy*. John Wiley & Sons.
- Wells, A., & Davies, M. I. (1994). The Thought Control Questionnaire: A measure of individual differences in the control of unwanted thoughts. *Behavior Research and Therapy*, 32(8), 871-878

پرسشنامه خردمندی

ردیف	سوالات	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم کاملاً مخالفم
۱	بی خیالی و بی تفاوتی نوعی خوشبختی است.	۱	۲	۳	۴ ۵
۲	بہتر است نسبت به موضوع هایی که نمی توان آن ها را تغییر داد، چیز زیادی ندانم.	۱	۲	۳	۴ ۵
۳	در دنیای پیچیده ی امروزی، تنها راهی که می توان نسبت به موضوع های مختلف آگاهی داشت، تکیه بر رهبران و متخصصانی است که می توان به آن ها اعتماد کرد.	۱	۲	۳	۴ ۵
۴	فقط یک راه درست برای انجام هر کاری وجود دارد.	۱	۲	۳	۴ ۵
۵	یک شخص جواب یک سوال را یا می داند یا نمی داند.	۱	۲	۳	۴ ۵
۶	می توان تمام افراد را راستگو و یا ریاکار فرض کرد.	۱	۲	۳	۴ ۵
۷	مردم می توانند خوب و یا بد باشند.	۱	۲	۳	۴ ۵
۸	زندگی در بیشتر مواقع اساساً مشابه است.	۱	۲	۳	۴ ۵
۹	اگر بدانم یک سوال جواب مشخصی ندارد، برایم بسیار جذاب تر خواهد بود.	۱	۲	۳	۴ ۵
۱۰	سعی می کنم از قرار گرفتن در موقعیت هایی که منجر به تفکر عمیق در مورد یک موضوع می شود، خودداری کنم.	۱	۲	۳	۴ ۵
۱۱	ترجیح می دهم به جای فکر کردن درباره ی علت انجام شدن کارها، اجازه دهم خود به خود انجام شوند.	۱	۲	۳	۴ ۵
۱۲	بی بردن به جواب، به جای دانستن علت آن برایم کافی است.	۱	۲	۳	۴ ۵
۱۳	بعد از فکر کردن برای گرفتن تصمیمی مهم، نسبت به آن مردد می شوم.	۱	۲	۳	۴ ۵

۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	خیلی وقت ها، متوجه رفتار افراد نمی شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	اغلب، بدون بروز اشتباهی از جانب من، کارها اشتباه پیش می روند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶	اگر شرایط فعلی ام تغییر کند، احساس بهتری خواهم داشت.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷	سعی می کنم، مخالفت دیگران را قبل از گرفتن تصمیمی در نظر بگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸	وقتی از کسی ناراحت می شوم، سعی می کنم خودم را برای مدتی جای او بگذارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹	همیشه سعی می کنم به تمام جنبه های یک مسئله توجه کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰	قبل از انتقاد کردن از دیگران، سعی می کنم تصور کنم اگر جای آن ها بودم چه احساسی داشتم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱	گاهی وقت ها، برایم سخت است که از دید دیگران به موضوع ها نگاه کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲	اگر مسئله ای ذهنم را مشغول کند، اولین کاری که می کنم این است که شرایط و تمام اطلاعات مرتبط با مسئله را در نظر بگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳	گاهی وقت ها، به دلیل هیجان عاطفی بیش از اندازه، نمی توانم راه های مختلف حل یک مسأله را در نظر بگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴	وقتی به اتفاق هایی که در گذشته برایم اتفاق افتاده فکر می کنم، عصبی و بی میل می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵	وقتی به اتفاق هایی که در گذشته برایم افتاده فکر می کنم، احساس می کنم مورد سوء استفاده قرار گرفته ام.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶	وقتی کارها درست پیش نمی رود، احساس عصبانیت یا افسردگی می کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷	از کسانی که برای خودشان احساس تأسف و ناراحتی می کنند، خوشم نمی آید.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸	مردم بیش از حد نسبت به حیوان ها احساسات نشان می دهند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹	مطمئن هستم که از بعضی از افراد هیچ وقت خوشم نمی آید.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰	می توانم با هر نوع آدمی راحت باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۱	این مشکل من نیست که دیگران گرفتار شوند و به کمک احتیاج داشته باشند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۲	گاهی وقت ها به خاطر مشکل های دیگران احساس ناراحتی و هم دردی نمی کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۳	گاهی وقت ها با همه احساس هم دردی می کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۴	اغلب، وقتی دیگران نیاز به هم دردی دارند، این کار را انجام نمی دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۵	دوست ندارم به مشکل های دیگران گوش کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۶	افراد بخصوصی هستند که از آن ها خوشم نمی آید، و وقتی برای کاری که انجام داده اند تنبیه و یا دستگیر شوند، قلباً خوشحال می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۷	وقتی دیگران با من صحبت می کنند، گاهی آرزو می کنم که صحبتشان زودتر تمام شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۸	به راحتی، از افرادی که با من بحث می کنند، آزرده خاطر می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۹	اگر ببینم مردم به کمک احتیاج دارند، سعی می کنم به هر شکل ممکن کمک شان کنم.

پرسشنامه کنترل فکر

ردیف	سؤال	تقریباً هرگز	گاهی اوقات	اغلب	تقریباً همیشه
۱	به جای آن به افکار خوشایند فکر می کنم	۱	۲	۳	۴
۲	به چیز دیگری فکر می کنم.	۱	۲	۳	۴
۳	به جای آن خودم را به کاری مشغول می کنم.	۱	۲	۳	۴
۴	کاری را که از آن لذت می برم انجام می دهم.	۱	۲	۳	۴
۵	به جای آن تصویر مثبت را به ذهن می آورم.	۱	۲	۳	۴
۶	خودم را به چیزی مشغول می کنم.	۱	۲	۳	۴

۴	۳	۲	۱	۷	در مورد مشکلات کوچکتري که دارم، بیشتر فکر می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۸	به جای آن به نگرانی‌های گذشته ام فکر می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۹	به دیگر نگرانی‌هایم می‌پردازم.
۴	۳	۲	۱	۱۰	به جای این فکر، افکار منفی پیش پا افتاده تری را جایگزین می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۱	روی افکار منفی متفاوتی تمرکز می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۲	به جای آن به موضوعات کوچکتتر فکر می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۳	با دوستی در مورد فکرم صحبت می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۴	از دوستانم می‌پرسم که آیا آنها هم افکار مشابهی دارند.
۱	۲	۳	۴	۱۵	فکرم را برای خودم نگه می‌دارم.
۱	۲	۳	۴	۱۶	در مورد فکرم با کسی صحبت نمی‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۱۷	از بحث کردن در مورد فکرم اجتناب می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۸	بررسی می‌کنم که دوستانم چگونه با چنین افکاری کنار می‌آیند.
۴	۳	۲	۱	۱۹	به خاطر چنین فکری از خودم عصبانی می‌شوم.
۴	۳	۲	۱	۲۰	خودم را به خاطر فکر کردن به افکار تنبیه می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۱	به خودم می‌گویم که اگر به آن فکر کنم، اتفاق بدی خواهد افتاد.
۴	۳	۲	۱	۲۲	به خودم می‌گویم که زیاد احمق نباشم.
۴	۳	۲	۱	۲۳	به خاطر داشتن این فکر سر خودم داد می‌کشم.
۴	۳	۲	۱	۲۴	سعی می‌کنم یک بار دیگر افکارم را تفسیر کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۵	فکرم را به طور منطقی تحلیل می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۶	روی فکرم تمرکز می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۷	دلایل داشتن چنین فکری را مورد سوال قرار می‌دهم.
۴	۳	۲	۱	۲۸	سعی می‌کنم جور دیگری درباره آن فکر کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۹	درستی فکرم را زیر سوال می‌برم.

پرسشنامه روابط خانوادگی

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	۱-۳
۱	۲	۳	۴	۵	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۲
۱	۲	۳	۴	۵	۳
۱	۲	۳	۴	۵	۴
۱	۲	۳	۴	۵	۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	۲	۳	۴	۵	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۱۱
۱	۲	۳	۴	۵	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۱۳

۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام می‌توانیم به آرامی در مورد مشکلات با یکدیگر تبادل نظر کنیم.	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام می‌توانیم در انجام کارهایمان از یکدیگر کمک بخواهیم.	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام درباره عقاید و نظراتمان با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم.	۱۶
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام در پاسخ به سؤالات یکدیگر پاسخ‌های صادقانه می‌دهیم.	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام هنگام عصبانیت به ندرت به یکدیگر بد و بیراه می‌گوییم.	۱۹
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام احساس واقع‌گرایان را نسبت به یکدیگر ابراز می‌کنیم.	۲۰
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم از نحوه ارتباطی که با یکدیگر داریم راضی هستیم.	۲۱
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات و عواطف خود را برای یکدیگر بیان می‌کنیم.	۲۲
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم به آرامی در مورد مشکلات با یکدیگر تبادل نظر کنیم.	۲۳
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۴
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۶
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۷
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۸
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۲۹
۱	۲	۳	۴	۵	من و اعضای خانواده‌ام سعی می‌کنیم احساسات یکدیگر را درک کنیم.	۳۰

پرسشنامه مثلث‌سازی

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	عبارت	ردیف
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که جانبدار من باشد.	۱
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که سعی می‌کند به من کمک کند.	۲
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که از او راهنمایی می‌گیریم.	۳
۱	۲	۳	۴	۵	فکر می‌کنم در زندگی من و همسر من اگر او نبود ما از هم تا حالا جدا شده بودیم.	۴
۱	۲	۳	۴	۵	هر موقع با همسر اختلاف پیدا کنیم کسی یا کسانی هستند که می‌توانیم با آنها درودل کنیم.	۵
۱	۲	۳	۴	۵	هر موقع با همسر دعوا می‌شود کسی هست که از من طرفداری کند.	۶
۱	۲	۳	۴	۵	همسر من می‌داند که اگر بخواهد مرا اذیت کند کسی یا اشخاصی هستند که مانع این کار می‌شوند.	۷
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که اسرار من و همسر من را می‌داند.	۸
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که اگر نباشد من واقعاً نمی‌دانم باید با همسر من چه برخوردی داشته باشم.	۹
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که برخی از مشکلات زندگی متأهلی ما را به دوش می‌کشد.	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و همسر من کسی هست که اگر نباشد من کم می‌آورم.	۱۱
۱	۲	۳	۴	۵	در اختلافات بین من و همسر من بچه‌ها یا بچه‌هایم یا یکی از آنها طرفدار من است.	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	همسر من می‌داند اگر بخواهد در زندگی کار خودش را بکند من و بچه‌هایم از او دور می‌شویم.	۱۳
۱	۲	۳	۴	۵	بین من و بچه‌هایم اسراری وجود دارد که همسر من از آنها مطلع نیست.	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	در زندگی من و شوهرم کسی هست که مرا راهنمایی می‌کند و همسر من اطلاعی ندارد.	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	هر وقت از زندگی متأهلی خسته می‌شوم و یا با همسر من دعوا می‌شود به خانواده‌ام برمی‌گردم.	۱۶

Prediction of the relationship with the spouse based on wisdom and thought control strategies and the moderating role of the dimensions of family relationships and triangulation in married women

Hoda. Rejali¹, & Zahra. Yousefi^{*2}

Abstract

Aim: This study was aimed to predict the relationship with the spouse based on wisdom and thought control strategies with the moderating role of the dimensions of family relationships (relationship with one's family, relationship with the spouse's family) and triangulation among married women in Kashan. **Method:** The research method was descriptive and correlational, and the statistical population included all married women in Kashan. A sample of 210 married women was selected by the convenience sampling method from different areas of Kashan city. The research tools included Ardel's Wisdom Scales (2013), Wells and Davies (1994), Thought Control Strategies, Barnes & Olson (2004) Family Relationships, and Peasant and Yousefi Triangulation (2019). The data were analyzed by the Pearson correlation method and hierarchical regression analysis.

Results: The results of Pearson correlation showed that all predictor and moderator variables have a significant correlation with the factor of relationship with the spouse ($P < 0.05$). Also, the results of hierarchical regression analysis showed that moderating variables of communication neutralize the role of wisdom in the prediction model and change the role of thought control in predicting the relationship with the spouse from positive to negative (from $0.18 = \beta$ to $\beta = 0.054$) and increase its predictive power. **Conclusion:** According to these results, it can be said that communication variables in couple relationships can change the nature of psychological variables. Therefore, the optimal use of wisdom and thought control management among women is not beneficial regardless of family relationships.

Keywords: *Wisdom, Thought Control Strategies, Family Relationships, Triangulation*

1. Master of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
z.yousefi@khuif.ac.ir